شناسنامه

هفته‌نامه‌ی فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، هنری با روش خبری– تحلیلی
صاحب امتیاز: سودابه آزادگان
مدیرمسئول و سردبیر: کیانوش رستمی
نشانی: خرم‌آباد، خیابان علوی، مجتمع هفت‌آسمان، طبقه‌ی سوم، واحد ۳۰۵
تلفن:۰۶۶۳۳۴۰۷۰۰۴ دورنگار: ۰۶۶۳۳۴۰۲۴۶۱
پیام‌نگار: seymare83@yahoo.com **تارنما:** www.seymare.com
تلگرام: @seymareweekly
لیتوگرافی و چاپ: پیام‌رسانه همدان، تلفن: ۰۸۱۳۴۵۸۶۷۳۱
توجه: مقالات و یادداشت‌های چاپ شده الزاماً دیدگاه سیمره نیست.

پروازهای فرودگاه خرم‌آباد از سر گرفته شد

پروازهای فرودگاه شهدای خرم‌آباد هشت ماه پس از وقفه در شرایط جنگی دوم آبان از سر گرفته شد.

مدیر فرودگاه شـــهدای خرم‌آباد روز شنبه (دوم آبان‌ماه) اظهار داشت:« پس از هشت ماه وقفه نخستین پرواز در مســـیر تهران – خرم‌آباد و بالعکس امروز توسط شرکت هواپیمایی ماهان انجام شـــد سه‌شـــنبه(پنجم آبان‌ماه) هفته‌ی جاری نیز تکرار می‌شود.»

وی با اشـــاره به انجام پرواز در مســـیر تهران – خرم‌آباد ساعت ۱۳ و برگشت آن ساعت ۱۵، تصریح کرد:« اکنون برنامه‌ی پروازی برای شنبه و سه‌شنبه اعلام شده است و در صورت تغییر، اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

امیرعباس نظـــری‌زاده گفت: «آخرین پـــرواز فرودگاه خرم‌آباد پیش از جنگ ۴۰ روزه، در هفته‌ی نخست اسفند ۱۴۰۴ انجام شد و پس از آن، به دلیل شرایط ایجادشده و آسیب‌دیدگی فرودگاه در جریان حملات، فعالیت پروازی این مجموعه متوقف شد.»

وی افزود: «در مدت توقف پروازهای مسافربری عمومی، چند مورد پرواز چارتری در این فرودگاه صورت گرفت و هم‌زمان پیگیری‌های لازم برای رفع مشکلات و انجام تعمیرات مورد نیاز انجام شد که امروز پس از فراهم شدن شرایط لازم، امکان ازسرگیری پروازها فراهم شده است.»

مدیر فرودگاه شـــهدای خرم‌آباد با بیـــان این‌که پیش از توقف پروازها، فرودگاه به‌صورت روزانه پرواز داشت، ادامه داد: «در مقاطعی علاوه بر مســـیر تهران، پروازهایی در مسیرهای عسلویه و مشهد نیز برقرار بود.»

نظری‌زاده گفت:« با پیگیری‌های انجام‌شده، برنامه‌ریزی برای افزایش تدریجی تعداد پروازها و بازگشت مسیرهای پیشین در دستور کار قرار دارد و جزئیات این برنامه پس از نهایی شدن اعلام می‌شود.»

به گفته‌ی نظری‌زاده مســـافران می‌توانند برای اطلاع از تاریخ و ساعات پروازی فرودگاه شهدای خرم‌آباد با تلفن ۱۹۹ تماس بگیرند./ ایرنا؛ نشـــانی این خبر در تارنمای سیمره: https://avayeseymare.ir/

نقد و تحلیل — کیانوش رستمی (کارشناس ارشد زبان و ادبیات پارسی و دکترای رزونامه‌نگاری)

درنگی بر رمان «جای خالی سلوچ»
مرگانِ رنج/ایستادگی خاموش

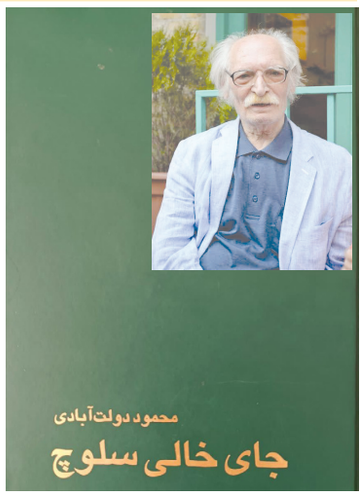

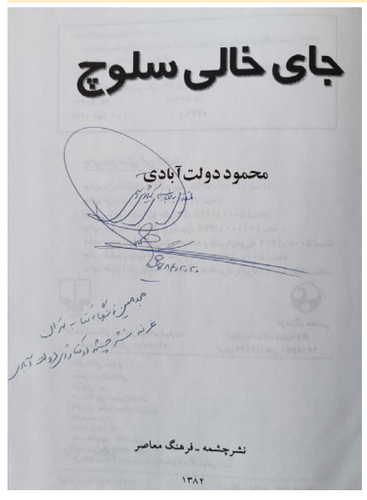

مهم‌ترین مضمون داستان‌هایِ محمود دولت‌آبادی را مقابله با سختی‌ها و خشونت‌های زندگی و به تصویر کشیدن زندگی سراسر رنج روستاییان تشکیل می‌دهد؛ بدین‌روی، او را می‌توان نماینده‌ی «ادبیات اقلیمی» ایران امروز دانست.

در بیشینه‌ی داستان‌های دولت‌آبادی چند ویژگی آشکار است؛ از جمله: اغلب داستان‌هایش با یک بحران آغاز می‌شود؛ یکی از کسانی است که بیش از همه به فضا و محیط روستایی پرداخته است؛ بیش از همه سعی دارد در داستان‌هایش به فرهنگ و آداب منطقه‌ی خراسان بپردازد، این امر گاهی فهم آثارش را دشوار می‌کند؛ باستان‌گرایی (archaism) در داستان‌هایش مشاهده می‌شود. وی تلاش می‌کند بین زبان امروز و گذشته از جمله تاریخ بیهقی پیوندی ایجاد کند، همین موضوع باعث می‌شود نثرش ادیبانه و سنگین باشد.

رمان جای خالی سلوچ با ناپدیدشدن ناگهانی **سلوچ**، مردی روستایی، آغاز می‌شود؛ غیبتی بی‌دلیل و بی‌پاسخ که زندگی همسرش مرگان و فرزندانشان (عباس، اَبراو، هاجر) را به سراشیبی فقر، اضطراب و فروپاشی می‌کشاند. مرگان، زنی تنها در جامعه‌ای مردسالار و تهی‌دست، ناچار است بارِ نبودن مرد، نان، امنیت و آینده را به‌تنهایی بر دوش بکشد. جای خالی سلوچ، بیانگر زندگی روستاییان حاشیه‌ی کویر و ستیز دایمی آنان با طبیعت خشن و ستم‌هایی است که از سالیان گذشته بر آن‌ها روا داشته‌اند.

داستان، روایتِ فرسایش تدریجی خانواده‌ای است که زیر فشارِ فقر، خشکسالی و مناسبات نابرابر اجتماعی، آرام‌آرام از هم می‌پاشد. هر یک از فرزندان، واکنشی متفاوت به این وضعیت نشان می‌دهند؛ یکی در جست‌وجوی نجات، دیگری در دام تباهی. اما محور اصلی روایت، ایستادگی خاموش مرگان است؛ زنی که رنج را نه فریاد می‌زند و نه پنهان می‌کند، بلکه زندگی‌اش می‌کند.

در بخش‌های پایانی رمان، روایت از واقعیت عینی فاصله می‌گیرد و به جهان ذهنی و وهم‌آلود مرگان نزدیک می‌شود؛ جایی که خاطره، خیال و درد در هم می‌آمیزند. رمان با پایانی تیره و شکسته، چرخه‌ی بسته‌ی رنج را کامل می‌کند و نشان می‌دهد که غیاب سلوچ، تنها غیاب یک مرد نیست، بلکه نشانه‌ای از فقدانی عمیق‌تر در زندگی و جامعه است.

جای خالی سلوچ روایتِ نبودن است؛ اما نبودنی که همه‌چیز را شکل می‌دهد و انسان را وامی‌دارد تا در دل تاریکی، ایستادن را بیاموزد.

رمان «جای خالی سلوچ»، نوشته‌ی محمود دولت‌آبادی را بیستم اردی‌بهشت سال ۱۳۸۴ از هجدهمین نمایشگاه کتاب تهران خریدم. از قضا همان روز، بخت با من یار بود که استاد دولت‌آبادی در حرفه‌ی نشر چشمه حضور داشت. عکسی به یادگار با ایشان گرفتم و کتاب را برایم امضا کرد.

رمان‌های زیادی خوانده‌ام، خارجی و ایرانی؛ اما جای خالی سلوچ، چیز دیگری است و به عبارتی «از گونه‌ای دیگر»... بی‌نظیر است و خواندنی، اصلاً شعر است و زندگی... گاهی خودم را در رنج‌های مرگان، زن سلوچ و بچه‌هایش شریک می‌دانستم، گاهی برای این ماده شیر اشک می‌ریختم ....

رمان جای خالی سلوچ با این جمله‌ی کوتاه آغاز می‌شود «مرگان که سر از بالین برداشت، سلوچ نبود.». و با این جمله پایان می‌یابد: «شب می‌شکست، شب بر کشاله‌ی خون می‌شکست».. «مرگان که سر از بالین برداشت، سلوچ نبود.»

این جمله، نه فقط آغاز یک رمان، که اعلان یک فقدان است؛ فقدانی که از همان سطر نخست، همه‌چیز را در خود فرو می‌برد. جای خالی سلوچ رمانی است که بر محور «نبودن» بنا شده، اما شگفت آن‌که بیش از هر چیز، از «بودن» می‌گوید؛ بودنِ زنی که باید بارِ غیاب را به دوش بکشد.

اگرچه نام رمان، سلوچ را به پیش‌زمینه می‌آورد، اما **شخصیت محوری** و کانونی اثر، بی‌تردید مرگان است. سلوچ حضوری غایب دارد؛ او بیش‌تر یک خلأ است تا یک شخصیت. این مرگان است که رنج را زندگی می‌کند، فقر را لمس می‌کند و فروپاشی تدریجی خانواده را با تن و جان خود تجربه می‌کند.

در کنار مرگان، رمان جای خالی سلوچ پر است از زنانی که هر یک به شکلی متفاوت، قربانی سازوکارهای یک نظام مردسالار و خشن‌اند. هاجر، دختر خردسال مرگان، پیش از آن‌که فرصت کودکی بیابد، با زور، فریب و معامله به همسری علی گناو درمی‌آید؛ دختری که در غیاب پدر، به جای بازی و رؤیا، سهم‌اش رقابت با زنِ نخست مردی دغل‌کار است و ناخواسته به «هوو»ی رقیه بدل می‌شود.

رقیه، زن علی گناو، تصویری عریان از زنِ درهم‌شکسته است؛ زنی که خشونت مداوم همسر، او را به موجودی مفلوک، منزوی و زمین‌گیر بدل کرده و بدنش میدان اعمال قدرت مردانه شده است. و فراتر از این دو، مادر علی گناو قرار دارد؛ زنی که قربانی دسیسه و حذف زنانه در چارچوب همان نظام نابرابر می‌شود، از خانه رانده می‌شود و در تنهایی و فقر، زیر سقفی فروریخته جان می‌دهد. رمان نشان می‌دهد که ستم بر زنان، تنها از سوی مردان اعمال نمی‌شود، بلکه ساختاری است که زنان را نیز ناخواسته در بازتولید آن درگیر می‌کند. در این جهان، زن‌بودن همواره به معنای تحمل نوعی محرومیت است؛ یکی کودکی‌اش را می‌بازد، دیگری تن و جانش را، و آن‌یکی حتا حق داشتن سقفی امن بر سر را.

روایت، با زاویه‌ی دید سوم‌شخص محدود، چنان به ذهن و ادراک مرگان نزدیک می‌شود که خواننده، جهان را از روزنه‌ی نگاه او می‌بیند؛ به‌ویژه در صفحات پایانی، که مرز میان واقعیت بیرونی و وهم‌های درونی درهم می‌ریزد و رمان حال‌وهوایی ذهنی و کابوس‌وار می‌یابد.

از حیث **سبک**، جای خالی سلوچ را می‌توان نمونه‌ی برجسته‌ای از رئالیسم اجتماعیِ شاعرانه دانست. دولت‌آبادی واقعیت خشن فقر، خشکسالی و مناسبات نابرابر روستایی را بی‌پرده نشان می‌دهد، اما این واقعیت از صافی زبانی عبور می‌کند که به شعر پهلو می‌زند. رمان، آن‌گونه که پیش‌تر گفته شد، «از گونه‌ای دیگر» است؛ نه صرفاً روایت، که تجربه‌ای زبانی و زیستی.

زبان اثر، مهم‌ترین سرمایه‌ی آن است. انبوه کنایه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، سجع‌ها، جناس‌ها، تضادها، تکرارهای آهنگین و تصاویر فشرده، متنی پدید آورده که گاه به‌جای آن‌که داستان بگوید، آواز می‌خواند. تعبیرهایی چون «غروب در خانه فرود آمد» یا تصویر «سیاه‌ماری که دم در زمین فرو برده و زیر تیغ آفتاب راست ایستاده»، نشان می‌دهد که زبان در این رمان، ابزار روایت نیست؛ خودِ روایت است. استفاده‌ی سنجیده و بجا از واژگان محلی چون هلپاس، شپات، همیال، هپکه و... نه رنگ‌وبوی تزیینی، بلکه ضرورتی است برای بازنمایی جهانی که با زبان رسمی و بی‌لهجه، قابل بیان نیست.

لحن رمان، سوگ‌وار اما بی‌ناله است؛ تلخ، اما بی اغراق احساسی. دولت‌آبادی نه ترحم می‌طلبد و نه شعار می‌دهد. رنج، در متن او، آرام و پیوسته جریان دارد؛ درست مانند زندگی مرگان. شاید به همین دلیل است که خواننده، گاه خود را شریک رنج‌های این «ماده‌شیر» می‌یابد و بی‌آن‌که متوجه شود، اشک می‌ریزد.

درون‌مایه‌ی یا درون‌مایه‌های این رمان، در هم تنیده‌اند، اما مهم‌ترین‌شان عبارتند از:

– غیاب و فقدان (غیاب مرد، نان، امنیت، آینده)
– رنج زنانه در جامعه‌ی مردسالار
– فقر ساختاری و تقدیر محتوم
– فرسایش تدریجی انسان
– بقا در برابر فروپاشی

پایان رمان، با جمله‌ی تکان‌دهنده‌ی «شب می‌شکست، شب بر کشاله‌ی خون می‌شکست»، نه گره‌گشایی است و نه رهایی؛ بلکه تأکیدی دوباره بر چرخه‌ی بسته‌ی رنج. شبی که در آغاز، با نبودن سلوچ فرود آمده بود، در پایان نیز با شکستن در خون، به نهایت خود می‌رسد.

جای خالی سلوچ شاهکاری است در زبان فارسی؛ رمانی که فقر را به عدد و مفهوم تقلیل نمی‌دهد، بلکه آن را به زیست، صدا، تصویر و شعر بدل می‌کند. مرگان، در این میان، نه فقط یک شخصیت داستانی که **نماد ایستادگی خاموش انسان در برابر فرسایش زمان و تقدیر است.**

طنز

فانتزی واژه‌ها (۷۹)
(چی برای چیه)

*صافی لرستانی

–کله‌پوک، برای خراب کردن همه‌چیز.
– قارقار، برای اجرای سخن‌رانیِ کلاغ بدون نیاز به تریبون و میکروفون.
– میز، برای تبدیل شدن به ارثِ پدری.
– سیلی، برای پس‌گردنی زدن به هرکه حرف ما را قبول نکند.
– رودخانه، برای این‌که هنگام عبور، خوش‌خوشان، به ریش زمین‌های دیم بخندد.
– روباه، برای این‌که نگذارد زاغ یک شکم سیر پنیر بخورد.
– سماور، برای آب‌پزکردن آب.
– زبان، برای عرضه‌ی برندهای مختلف فحش و ناسزا.
– تورم برای کوهنوردی بی‌وفقه.
– بودجه، برای روی کاغذ ماندن عددها و در گیر و دار تنگ‌راهِ اعتبار و تخصیص بی‌معنا شدن.

ادامه دارد...

یادداشت

دفاع از شیرین همسر خسروپرویز

لطیف محمدی گراوند — بخش دوم

شیرین بی‌خبر از این‌که چشم نامحرمی بر اوست
همی می‌مالید سر و دست و تن و پوست و چون
سر از آب برآورد و گیسوان بر سیما افتاده‌اش را به
یک سو زد، چشمش بر پرویز افتاد؛
همایی دید بر پشت تذرویی
به بالای خدنگی رسته سرویی
ز شرم چشم او در چشمه آب
همی لرزید چون در چشمه مهتاب

خسرو که متوجه شرم شیرین می‌شود، روی برمی‌گرداند و پیش سواران همراه می‌رود و شیرین هم با عجله لباس بر تن کرده، راه تیسفون را در پیش می‌گیرد و بدین ترتیب دو دلداده بی‌گفت‌وگو از کنار هم می‌گذرند. اما شیرین پس از کمی طی طریق بیاد تصویر خسرو و شباهت تمام آن با آن شخص می‌شود که دیر شده و برگشت غیر مقدور... شیرین به تیسفون می‌رود و با نشان دادن نگین به درباریان خواستار ملاقات با خسرو می‌شود که به او می‌گویند خسرو به شکار رفته است و درباریان او را در مکانی نامناسب جای می‌دهند. شیرین به انتظار بازگشت خسرو و دیدار با او در تیسفون می‌ماند غافل از این‌که خسرو هم برای دیدن او به ارمنستان رفته و مهمان مهین‌بانو شده است. شاپور همین‌که از ماجرا باخبر می‌شود پیش خسرو رفته و او را از رفتن شیرین به تیسفون با اطلاع می‌نماید. سپس وی بدستور خسرو سوار بر اسب دیگر مهین‌بانو به‌نام گلگون شده و برای آوردن شیرین رهسپار تیسفون می‌گردد. در این هنگامه به خسرو خبر می‌رسد که پدرش هرمز از سلطنت خلع گشته و خسرو با شنیدن این خبر به فوریت رهسپار پایتخت می‌گردد که باز عاشق و معشوق برای بار دوم از کنار هم گذشته، بدون این‌که شناختی و یا ملاقاتی صورت گرفته باشد.

خسرو در سال ۵۹۰ میلادی بر تخت می‌نشیند اما بهرام چوبین سردار معزول هرمز با تحریک بزرگان که خسرو عیاش هست و عاشق و در فکر زنی ارمنی به‌نام شیرین است، او را از سلطنت کنار می‌زنند و بهرام چوبین شاه می‌شود. خسرو آواره و سرگردان روزی در دشت مغان به هنگام شکار شیرین را که او نیز با جمعی از دوستانش به گلگشت مشغول است می‌بیند و بدین ترتیب اولین ملاقات صورت می‌گیرد. سپس خسرو به دعوت شیرین به ارمنستان می‌رود. خسرو در آن‌جا تاج و تخت از دست رفته را فراموش کرده و به فکر رسیدن به وصال معشوق می‌افتد. اما شیرین به خسرو می‌فهماند زندگی فقط خوش‌گذرانی و عیش و نوش نیست او باید اول برای باز پس گیری تاج و تخت پادشاهی از دست رفته تلاش کند. بدین ترتیب خسرو رنجیده خاطر گردیده، و ارمنستان را ترک و به دربار روم پناه می‌برد و از امپراتور روم طلب یاری می‌نماید. امپراتور ضمن این‌که دخترش به‌نام مریم را به عقد خسرو در می‌آورد، وی را در بازپس‌گیری حکومت کمک می‌نماید. خسرو در جنگی بهرام را شکست داده و یک سال بعد یعنی در ۵۹۱ میلادی به سلطنت می‌رسد و ۳۸ سال حکومت می‌کند.

ادامه دارد...

فرهنگ‌مردم

رازهای سرزمین مادری (ادامه‌ی خوانش تک‌بیت‌های لکی؛ بیت فال/ بخش ۴۰/ پایان فال اول)

دکتر حسین اکبری‌نسب

«مونگ شعله کیشای و سَر کِلاووان
تومرز یه لیله مَچوو وه باووان»

تابش نرم و لطیف ماه از فراز کوهستان، دشت را در
نور افسون گر مهتاب غرق کرده است!
ماه آرام و خوش خرام از قله‌ای به قله‌ی دیگر سفر
می‌کند!
شب پوشیده در نور ملایم خیال، فضای رویایی و
خاطره انگیزی ساخته است!
صحنه از همه چیز خالی است تا نور مهتاب به
تمامی، پهنه‌ی خیال را درنوردد!
شاعر درگیر جادوی نور ماه است که درمی یابد،
آن‌که در کوهستان درگذر است لیلی است که عزم
دیدار از شهر و دیار خویش کرده‌است!
گویی یار از قصر آسمان، دریچه‌ی ماه را گشوده
باشد و از راه کوهستان عزم زمین کرده باشد!
در قدمگاهش حریر نور گسترده‌اند و در پشت
سرش ستارگان را به بدرقه ریخته‌اند!
شب زیر قدم‌های چالاک و سبکش تاب ملایمی
برمی دارد و آسمان رویا هر لحظه سرشارتر و
نورانی‌تر می‌شود!
شعر شامل برش کوتاهی از روایت حرکت یار است؛
اما با توصیفی جادویی و با کلماتی از جنس نور!
انگار همه چیز نور است و شفافیت و زیبایی!
یار نور است!
راهی که یار در آن قدم می‌گذارد نور است!
آسمان پس زمینه نور است!
و مقصدی که قرار است یار در آن مستقر شود
نور است!
شعری کوتاه که با کلمات نور در فضای نور و در
وصف حرکت نور نگاشته شده‌است!
در مجال دیگری، این بیت را این گونه به فارسی
برگردانده‌ام:
دریچه‌ی ماه را می‌گشاید
لیلی
و از قصر آسمان به زیر می‌آید
شب بر دامان مهتابی‌اش
به خواب می‌رود!

رسانه

«سلام بروجرد» متولد شد

نخستین شماره‌ی ماهنامه‌ی «سلام بروجرد» روز دوشنبه ۲۰ مهرماه ۱۴۰۵ خورشیدی، با صاحب امتیازی و مدیرمسئولی کلثوم دلیران از خبرنگاران با سابقه بروجرد، چاپ و منتشر شد.

پروانه‌ی انتشار نشریه‌ی «سلام بروجرد» در زمینه‌ی اجتماعی – فرهنگی به زبان فارسی و ترتیب انتشار با گستره استان‌های لرستان، خوزستان، کرمانشاه و ایلام، در نوع انتشار مجله‌ای به نام «کلثوم دلیران»، پنجم آبان‌ماه ۱۴۰۴ خورشیدی، به شماره‌ی ۹۸۴۰۵ از هیئت نظارت بر مطبوعات صادر شد.

مدیرمسئوا این ماهنامه می‌گوید:« سلام بروجرد تلاش دارد تا صدای مردم استان‌های لرستان، کرمانشاه، خوزستان و ایلام را، به گوش مسئولان و سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران بر اساس آن‌چه که قانون مطبوعات و خبرگزاری‌ها نامیده می‌شود، برساند.»/ خبرنگار: زانا کوردستانی

آگهی

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان الیگودرز–سری (۳۶۱) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی الیگودرز مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت به‌نام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۵/۰۷/۱۸) نوبت دوم: (۱۴۰۵/۰۸/۰۳)

۱– تقاضای «شـــاپور سرلک» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی» به‌مساحت «۵۳۶۴,۹۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری طبق سند صلح»
۲– تقاضای «شـــاپور سرلک» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی» به‌مساحت «۸۲۶۴,۴۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری طبق سند صلح»
۳– تقاضای «شـــاپور سرلک» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی» به‌مساحت «۶۴۱۵,۴۰» مترمربع مجزی شـــده از پلاک شـــماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه « خریداری طبق سند صلح»
۴ – تقاضای «شاپور سرلک» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی» به‌مساحت «۱۴۹۵۶,۹۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری طبق سند صلح»
۵ – تقاضای «شاپور سرلک» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۷۹۴۵,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری طبق سند صلح»
۶– تقاضای «شـــاپور سرلک» فرزند «اسداله» نســـبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی» به‌مساحت «۸۲۰,۹۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری طبق سند صلح»
۷ – تقاضای «شاپور سرلک» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی» به‌مساحت «۲۴۷۳,۱۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری طبق سند صلح»
۸ – تقاضای «شاپور سرلک» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی» به‌مساحت «۲۲۲۷,۵۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری طبق سند صلح»
۹ – تقاضای «شاپور سرلک» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی» به‌مساحت «۱۴۱۱,۰۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری طبق سند صلح»
۱۰– تقاضای «شاپور سرلک» فرزند «اسداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین کشاورزی» به‌مساحت «۲۵۷۷۰,۲۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری طبق سند صلح»

امیرحسین خلیلی، رییس اداره‌ی ثبت اسناد و املاک الیگودرز

برداشت

یکی بر سر شاخ بُن می‌برید

محسن یوسف‌وند

به رسم مألوف برای اقامه‌ی نماز جماعت به یکی از مساجد سطح شهر رفته بودم. قبل از ورود، نوشـــته‌ای که بر سردرِ مسجد توجه‌ام را به خود جلب کرد! بنری بود سراسر تهمت و افترا به مســـئولان سابق و لاحق کشور؛ یکی را عامل موساد از سال ۵۲ و دیگری را عامل نفوذی دشـــمن و آمریکایی!! یکی را با سابقه‌ی چهار دهه مسئولیت در حســـاس‌ترین و کلیدی‌ترین ارکان نظام و دیگری را که با ظرافت و کیاســـت و سیاست‌ورزی عاقلانه‌ی خود شش کشور بزرگ و ابرقدرت را در نفس‌گیرترین ماراتن دیپلماســـی به روی رینگ برد و با «ترمشـــی قهرمانانه» از حق و حقوق ملت ایران به‌خوبی دفاع کرد. با خود گفتم: چطور می‌شـــود این حضرات با این‌که عامل موساد و جاســـوس آمریکا و نفوذی دشـــمن [مستند به این بنر نصب شده عرض می‌کنم] بوده‌باشند از منفذ ریز و چشمان تیزبین!! شورای محترم نگهبان و دیگر مبادی نظارتی نظام مهر تأیید گرفته باشند؟!

در آموزش و پرورش ما برای احراز مسئولیت مدیر مدرسه‌ای تمام سوابق شخص را ورانداز می‌کنند تا بشود او را گمارد یا نه! کلی با خود کلنجار رفتم مگر می‌شود در این برهه‌ی حساس و کلیدی و حیاتی به جای انسجام و یک‌پارچگی و هم‌دلی دست به گریبان یاران خودی شد!؟ [به‌ویژه مدیران ارشد و کلیدی کشور که محصول کاشته‌ی همین مملکت و فرزندان پا به رکاب در سخت‌ترین شرایط کشور بوده‌اند.] این را به حساب شور و احساســـات زودگذر جوانانی گذاشتم که هیجانات پاکشان باعث شده بود تا دوســـت و دشمن را از هم تشـــخیص ندهند اما جالب‌تر و البته نکته‌ی نگران کننده تعویض جای دوســـت و دشمن در شعارهای بعد از نمازشان بود مرگ بر ..... وهابی مرگ بر..... آمریکایی و این شـــاید همان ترجمان «کج سلیقگی» و یا «بی بصیرتی» باشد که به جای تمرکز بر اشتراکات«هم‌گرایانه» بر رفتارهای «واگرایانه» اصرار ورزیدن است. و شاید مصداق همان شعر جناب سعدی که می‌فرماید:

یکی بر سر شاخ بُن می‌برید — خداوند بستان نگه کرد و دید
بگفتا گر این مرد بد می‌کند — نه با من که با نفس خود می‌کند

ادامه از صفحه‌ی ۳

ورزشگاه آن نیز بهتر است نماد همین پیوند باشد: افتخار به خاستگاه محلی، پاسداشت زبان فارسی و تقویت هم‌بستگی ملی. ورزش باید پلی برای پیوند ایرانیان باشد، نه زمینه‌ای برای پررنگ‌تر کردن مرزهای میان آنان.

***پژوهشگر تاریخ زبان و فرهنگ ایران**

سیمره
Seymare

یک‌شنبه ۳ آبان ۱۴۰۵ ■ ۱۴ جمادی‌الاولی ۱۴۴۸ ■ ۲۵اکتبر ۲۰۲۶ ■ گستره‌ی توزیع: منطقه‌ای(غرب ایران)

سال بیست‌وسوم ■ شماره‌ی ۸۴۱ ■ ۴ صفحه ■ تک‌شماره ۱۵۰۰۰ تومان ■ www.seymare.com

«لر آرنا»؛ نامی نامناسب برای ورزشگاه خیبر خرم‌آباد

گفتاری از: محمدجعفر محمدزاده

صفحه‌ی۲

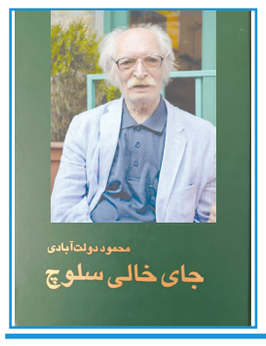

درنگی بر رمان «جای خالی سلوچ»
مرگانِ رنج/ایستادگی خاموش

گفتاری از: کیانوش رستمی

صفحه‌ی۴

ریشه‌های یک ناکامی آموزشی کجاست؟

لرستان در حسرت نخبگان کنکور

۲

تیترها

اعتبارات جاری دانشگاه علوم پزشکی لرستان یک‌همت افزایش یافت

۲

رازهای سرزمین مادری بخش ۴۰/ پایان فال اول

دکترحسین اکبری‌نسب

۴

سنجاب آنلاین

محسن تیزهوش

۳

فانتزی واژه‌ها (۷۹)
(چی برای چیه)

صافی لرستانی

۴

یکی بر سر شاخ بُن می‌برید

محسن یوسف‌وند

۴

مدیرعامل پیشین آب‌منطقه‌ای لرستان درگذشت

۲

سرمقاله

وقتی زندگی منتظر تصمیم‌ها نمی‌ماند

دکترمجتبا ترکارانی

جمله‌های بسیار آشـــنای این روزهای مردم: فرد حقوقش را گرفته، اما هنوز ماه به نیمه نرسیده است که باید دوباره حساب‌وکتاب کند. قیمت مواد غذایی بالا رفته، موعد اجاره نزدیک اســت و هزینه‌ای پیش‌بینی‌نشـــده هم از راه رسیده است. خریدی که ماه قبل با مبلغ مشـــخصی انجام می‌شـــد، حالا پول بیش‌تری می‌خواهد. خانواده ناچار است از بخشی از مخارج بزند، خریدی را عقب بیندازد یا برای تأمین هزینه‌ها از دیگران کمک بگیرد. این تجربه برای بسیاری از خانوارهای ایرانی دیگر یک اتفاق استثنایی نیست.

آمارها نیز از فشار سنگین تورمی حکایت دارند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، در شهریور ۱۴۰۵ تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۹.۸ درصد و تورم سالانه به ۷۳.۶ درصد رسید؛ شاخص قیمت‌ها نیز در یک ماه ۴.۲ درصد افزایش یافت. در همین ماه، تورم ماهانه اجاره مسکن ۳.۶ درصد گزارش شد. به بیان ساده، خانوارها برای خرید سبد مشابهی از کالاها و خدمات، به‌طور متوســـط نزدیک به ۹۰ درصد بیش‌تر از شهریور سال قبل هزینه می‌کردند.(خبرگزاری ایرنا)

این ارقام فقط از افزایش قیمت‌ها خبر نمی‌دهند؛ از تغییر در زمان زندگی مردم نیز حکایت دارند. در شرایط تورمی، فاصله میان امروز و فردا می‌تواند تفاوتی جدی در توان خرید، امکان برنامه‌ریزی و حتا تصمیم‌های اساسی زندگی ایجاد کند. از همین‌جا می‌توان از وجود دو ساعت متفاوت در جامعه سخن گفت: ساعت زندگی مردم که با سرعت افزایش هزینه‌ها جلو می‌رود و ساعت تصمیم‌گیری مسئولان که با تأخیر حرکت می‌کند.

در میان این تجربه‌های متفاوت، یک مسئله مشترک دیده می‌شود: مردم و مسئولان انگار با دو ساعت متفاوت زندگی می‌کنند. ساعت مردم با ســـرعت افزایش قیمت‌ها جلو می‌رود. موعد اجاره نزدیک می‌شود، هزینه‌های روزانه بالا می‌رود و درآمدها دیگر کفاف گذشته را نمی‌دهند. اما ساعت تصمیم‌گیری در دستگاه‌های اداری و سیاسی ممکن اســـت کندتر حرکت کند؛ تصمیم‌ها ماه‌ها در انتظار بررسی، هماهنگی و اجرا بمانند. آنچه برای یک اداره چند ماه زمان می‌برد، برای یک خانواده ممکن است به معنای بدهکارشدن، حذف نیازهای ضروری یا ازدست‌دادن بخشی از زندگی باشد.

افزایش قیمت دلار و کالاهای روزمره، تحریم‌ها و نگرانی درباره‌ی احتمال جنگ نیز این وضعیت را دشـــوارتر کرده‌اند. مســـئله فقط گران‌شدن کالاها نیست؛ مردم نمی‌دانند در ماه‌های آینده چه اتفاقی خواهـــد افتاد و چگونه باید برای زندگی خود تصمیم بگیرند. همین ترکیب تورم و بلاتکلیفی است که شرایط امروز را دشوار می‌کند.

تورمی که فرصت سازگاری را می‌گیرد

مســـعود نیلی، اقتصاددان، در تحلیل وضعیت اقتصاد ایران میان چهار نوع تورم تمایز می‌گذارد: ملایم، مزمن، شـــدید و ابرتورم. در تورم ملایم، افزایش قیمت‌ها محدودتر و معمولاً قابل‌کنترل‌تر است. تورم مزمن زمانی شکل می‌گیرد که افزایش قیمت‌ها برای سال‌های طولانی ادامه پیدا کند. در تورم شدید، علاوه بر بالا بودن قیمت‌ها، سرعت تغییرات و دشواری پیش‌بینی آینده نیز اهمیت پیدا می‌کند. ابرتورم به وضعیتی بســـیار بی‌ثبات اشاره دارد که در چارچوب مورد اشاره نیلی، معمولاً با نرخ‌های سه‌رقمی شناخته می‌شود.(اقتصاد نیوز)

مردم در دوره‌های تورمی معمولاً راه‌هایی برای کنارآمدن با شرایط پیدا می‌کنند. برخـــی طلا یا کالاهای بـــادوام می‌خرند، برخی وام می‌گیرند و برخی از هزینه‌های زندگی کم می‌کنند. اما وقتی قیمت‌ها با سرعت تغییر می‌کنند و درآمدها از هزینه‌ها عقب می‌مانند، همین راه‌ها نیز کمتر جواب می‌دهند. تصمیمی که امروز برای حفظ ارزش پول یا خرید یک کالای ضروری منطقی به نظر می‌رســـد، ممکن است چند هفته بعد دیگر امکان‌پذیر نباشد.

آینده‌ای که به یک ماه تقلیل می‌یابد

یکی از پیامدهای مهم تورم شدید، کوتاه‌شدن زمانی است که مردم می‌توانند برای آینده خود در نظر بگیرند. وقتی معلوم نیست قیمت‌ها در ماه‌های آینده چقدر تغییر می‌کنند و درآمد تا چه اندازه پاسخ‌گوی هزینه‌ها خواهد بود، برنامه‌ریزی بلندمدت دشوار می‌شود. نیلی نیز در توصیف وضعیت اقتصادی کشور به کوتاه‌شدن افق تصمیم‌گیری تا حدود یک ماه اشاره کرده است.

این مســـئله فقط به خریدوفروش و مخارج روزانه مربوط نیست. ازدواج، فرزندآوری، خرید خانه، ادامه تحصیل و تغییر شغل، همگی به نوعی اطمینان نسبت به آینده نیاز دارند. وقتی این اطمینان کاهش می‌یابد، افراد ممکن است تصمیم‌های مهم را عقب بیندازند و بیش‌تر انرژی خود را صرف گذراندن روزها و ماه‌های پیش رو کنند.

می‌توان این وضعیت را «فشردگی افق زمانی زندگی» نامید؛ یعنی آینده همچنان وجود دارد، اما مردم کمتر می‌توانند آن را تصور کنند و برایش برنامه بریزند. کسی که تا چند سال پیش به فکر خرید خانه یا ادامه تحصیل بود، ممکن است حالا بیش‌تر نگران تأمین اجاره و هزینه‌های ماه آینده باشد.

نگرانی درباره احتمال جنگ و ادامه شرایط «نه جنگ و نه صلح» نیـــز این وضعیت را تشـــدید می‌کند. وقتی معلوم نیســـت تنش‌ها به کجا می‌رســـند، خانواده‌ها در تصمیم‌های بزرگ احتاط می‌کنند و کســـب‌وکارها برای سرمایه‌گذاری مردد می‌شوند. مردم نمی‌دانند باید زندگی عادی خود را ادامه دهند یا منابعشـــان را برای روزهای سخت‌تر نگه دارند. البته همه مردم فشار تورم را به یک اندازه تحمل نمی‌کنند. خانواده‌ای که بیش‌تـــر درآمدش صرف خوراک و اجاره می‌شود، فرصت چندانی برای کاهش هزینه‌ها ندارد. حقوق‌بگیری که درآمدش هم‌پای قیمت‌ها افزایش نمی‌یابد نیز به‌سختی می‌تواند قدرت خرید خود را حفظ کند.

ادامه در صفحه‌ی۲

کانون کارشناسان لرستان؛ از ۲۰ سال پایداری تا ضرورت ارتقای کیفیت و جایگاه تخصصی در توسعه‌ی استان

همایش گرامی‌داشت روز کارشناس در خرم‌آباد برگزار شد

پیگیری اصلاح قانون کارشناسان، احیای ماده‌ی ۷۰ و سامانه‌ی یک‌پارچه ارجاعات قضایی/ محدودیت ارجاع کارشناسی «پروازی» در دستور کار شورای عالی است

آیین گرامی‌داشـــت روز کارشـــناس صبح روزآدینه (یکم آبان‌ماه) با حضور کارشناسان، اعضای هیئت‌مدیره و مقامات قضایی و استانی در تالار گردشگری خرم‌آباد برگزار شد.

معـــاون هماهنگی و راهبری اســـتان‌ها و امور بین‌الملل شـــورای عالی کارشناسان کشـــور، در این آیین، از تدوین لایحه‌ی جامع اصـــلاح قانون کارشناســـان، تلاش برای احیای ماده‌ی ۷۰ (مرور زمـــان انتظامی) و اصلاح قوانین مربوط به تعرفه‌های دستمزد خبر داد.

به گزارش آوای ســـیمره، مهندس داریوش بازگیریان با تبریک روز کارشناس و تسلیت ایام پیش‌رو، استقلال نهاد کارشناسی را در کنار استقلال دستگاه قضایی و نهاد وکالت، یکی از ارکان مهم احقاق حق و اجرای عدالت دانســـت و یادآور شـــد: «لایحه‌ی استقلال کارشناسان در تاریخ یکم آبان ۱۳۵۸ به پیشـــنهاد شـــهید دکتر بهشتی به تصویب شورای انقلاب رســـید و امروز کارشناسان به عنوان امین و رازدار جامعه، با ســـوگند حرفه‌ای به کشف حقیقت کمک می‌کنند.»

تدوین لایحه اصلاح قانون کارشناسان و اصلاح تعرفه‌های دست‌مزد

بازگیریان با اشاره به چالش‌های انباشته‌شده در قوانین این حوزه تصریح کرد: «با پیگیری‌های شورای عالی دوره پنجم و با حضور نمایندگان و مشاوران ریاست محترم قوه قضاییه و معاونـــت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه، لایحه جامع اصلاح قانون کارشناسان تدوین و نهایی شده که امیدواریم به زودی برای تصویب نهایی تقدیم مجلس شورای اسلامی شود.»

مسئول کارگروه حقوقی شورای عالی کارشناسان رسمی کشـــور، در خصوص دغدغه‌ی مهم کارشناســـان پیرامون تعرفه‌های دست‌مزد و اعمال سلیقه برخی مراجع قضایی در این زمینه افزود: «با رایزنی‌های صورت‌گرفته با کمیسیون قضایـــی و حقوقی مجلس، ترتیبی اتخاذ شـــد تا پرداخت دســـت‌مزد کارشناســـی در مراجع قضایی بر اساس تعرفه مصوب رییس قوه قضاییه الزام‌آور باشـــد و اختیار مطلق در خصوص پرداخت دست‌مزد کارشناسان از مقامات قضایی و و مراجع قضایی در این خصوص تعدیل شود.»

احیای ماده ۷۰ و ساماندهی صلاحیت‌های تخصصی

رییس کمیســـیون حقوقی و رســـیدگی به شکایت‌های شـــورای عالی کارشناسان کشور توضیح داد:« برای احیای ماده ۷۰ آیین‌نامه‌ی اجرایی و ســـاماندهی و به‌روزرســـانی صلاحیت‌های علمی و فنی کارشناســـان رسمی با حضور در معاونت حقوقی و اداره‌کل نظارت بر وکلا و کارشناسان و دفاتر اسناد رســـمی و مترجمان از جمله ساختمان، اقدام شده‌است.»

(بحث مرور زمان شکایات انتظامی) خبر داد و گفت: «با پیگیری‌های حقوقی انجام‌شده در دیوان عدالت اداری، رأی موافق کمیسیون تخصصی برای احیای مهلت دو ساله مرور زمان شـــکایات انتظامی اخذ شده و در حال طی مراحل در هیئت عمومی است.»

وی هم‌چنیـــن به بازنگـــری و ارتقـــای صلاحیت‌های تخصصی اشـــاره کرد و افزود: «صلاحیت‌های تخصصی در حوزه‌های گوناگون از جمله ســـاختمان اســـتحکام بنا و کاربری‌ها به‌روزرسانی شده است.»

ممنوعیت کارشناسی «پروازی» و هشدار درباره‌ی راه‌اندازی سامانه‌ی ارجاعات

بازگیریان با تأکید بر ضرورت تقویت کارشناســـان بومی استان‌ها، تصریح کرد: «بر اساس اصلاحات جدید ماده ۴، انجام کارهای کارشناسی توسط کارشناسان پروازی و خارج از استان ممنوع بوده و تخلف انتظامی محسوب می‌شود.»

وی در پایان با اشاره به چالش‌های اخلاقی و انضباطی در برخی حوزه‌ها، از راه‌اندازی قریب‌الوقوع سامانه‌ی ارجاعات قضایی و غیرقضایی قوه قضاییه خبر داد و از کارشناســـان خواســـت ضمن رعایت دقیق مهلت‌هـــای قانونی تحویل گـــزارش، از ارجاعات خارج از ســـامانه پرهیز کنند؛ هرچند شـــورای عالی تلاش دارد مدیریـــت ارجاعات غیرقضایی همچنان از طریق خود کانون‌ها انجام شود.

کانون کارشناسان لرستان؛ از ۲۰ سال پایداری تا ضرورت ارتقای کیفیت و جایگاه تخصصی در توسعه‌ی استان

رییس هیئت‌مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان لرســـتان در همایش بزرگداشت روز کارشناس، با اشـــاره به ســـابقه‌ی بیش از دو دهه‌ای این نهاد در استان، بـــر لزوم تقویت جایگاه کارشناســـی به‌عنوان بازوی اصلی دستگاه قضایی و توسعه‌ای تأکید کرد .

بـــه گزارش خبرنگار ما، علی‌حیدر عبدی‌وســـطا در آیین گرامی‌داشـــت روز کارشـــناس که صبـــح روز جمعه، یکم آبان‌مـــاه، با حضور کارشناســـان، اعضـــای هیئت‌مدیره و مسئولان اســـتانی در تالار گردشگری خرم‌آباد برگزار شد، ســـخنان خود را با لحنی صمیمی و طنزآلود آغاز کرد و با اشـــاره به دیدار با مقامات قضایی و استانی، یادآور شد: «در جلسات رسمی گاه چنان فشاری برای صحبت رسمی وجود دارد که انســـان خسته می‌شـــود، اما باید گفت کارشناسان رســـمی بازوان اصلی کشـــف حقیقت در کنار دستگاه قضا هستند.»

عبدی‌وسطا با تبریک این روز و یاد کردن از بنیان‌گذاران و پیش‌کسوتان فقید نهاد کارشناسی، روند شکل‌گیری این نهاد را یادآور شـــد و گفت: «یکم آبان‌مـــاه ۱۳۵۸ لایحه استقلال کارشناسان با همت شهید دکتر بهشتی به تصویب شورای انقلاب رسید و شورای عالی کارشناسان این روز را به پاسداشت اندیشه نو و استقلال حرفه‌ای، روز کارشناس نام‌گذاری کرد.»

بیش از دو دهه سابقه و فعالیت ۹۷۰ کارشناس در لرستان

عبدی‌وسطا با اشـــاره به گذشت ۲۰ ســـال و ۱۱ ماه از اســـتقلال کانون کارشناســـان رسمی دادگســـتری استان لرســـتان، این نهاد را یکی از باسابقه‌ترین و خوش‌نام‌ترین کانون‌های کشـــور معرفی کرد و افزود: «کانون لرستان با کمترین هزینه برای شورای عالی و با تکیه بر خرد جمعی اداره می‌شود.»

وی افزود:« در حال حاضر ۹۷۰ کارشناس دارای پروانه و حدود ۱۸۰ کارآموز در استان فعال هستند که در ۱۱ گروه از ۱۲ گروه تخصصی کشور و در ۶۰ رشته تخصصی خدمات ارائه می‌دهند.»

علی‌حیدر عبدی‌وســـطا قانون تسهیل صدور مجوزهای کســـب‌وکار را با وجود چالش‌های پیـــش‌رو، فرصتی برای جبران کمبود نیروی کارشناســـی در برخی حوزه‌ها دانست تا نیاز اســـتان به کارشناسان استان‌های همجوار به حداقل برسد.

حضور کارشناسان در ساختار تصمیم‌گیری استان

رییس هیئت‌مدیره کانون کارشناسان لرستان با اشاره به ارتقای جایگاه اجتماعی و نهادی کارشناســـان در سال‌های اخیر بیان کرد: «امروز به پشتوانه‌ی اعتماد عمومی و تلاش مجموعـــه، جایگاه کانون به گونه‌ای اســـت که نماینده‌ی کارشناسان به‌عنوان عضو شورای اداری استان، عضو مدعو معاونت عمرانی، عضو کارگروه سند تحول قضایی، کارگروه پرونده‌های ویژه و دادگاه مطبوعـــات حضور دارد و تعامل مستمر با دستگاه‌های اجرایی برقرار است.»

وی تصریح کرد: «کارشناســـی رســـمی تنها یک پروانه نیست، بلکه تجدید عهد با علم، تخصص، تعهد، بی‌طرفی و عدالت است.»

رییس هیئت‌مدیره کانون کارشناســـان لرستان افزود:« قاضی ستون عدالت است و کارشناس شالوده و پایه‌ای است که این ستون بر آن بنا می‌شود؛ بنابراین قلم کارشناس در کنار چکش قاضی، ابزار اصلی کشف حقیقت است.»

ادامه در صفحه‌ی۳

تیتر یک

ریشه‌های یک ناکامی آموزشی کجاست؟ لرستان در حسرت نخبگان کنکور

عباس دارایی

با اعلام نتایج نهایی آزمون سراسری سال ۱۴۰۵ در پنج گروه آزمایشی، مشخص شد که لرستان هیچ سهمی از برترین‌های کنکور نداشته است.

لرستان طی سال‌های اخیر حتا یک رتبه تک‌رقمی یا دورقمی به دست نیاورده است، هر ساله با اعلام نتایج کنکور سراسری، نام شهرها و استان‌هایی که توانسته‌اند رتبه‌های تک‌رقمی و دورقمی را به دست آورند، در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای پیدا می‌کند، تهران تقریباً همیشه پیش‌تاز است و در اعلام نتایج رتبه‌های برتر کنکور امسال نیز هم‌چنان در صدر برترها قرار دارد؛ مازندران، تبریز، یزد، همدان، کرمان و... نیز امسال خودی نشان داده‌اند و حتا شهرهایی هم‌چون بجنورد و لنجان هم سهمی در میان‌برترین‌ها داشته‌اند.

بررسی فهرست رتبه‌های برتر آزمون سراسری سال ۱۴۰۵ در پنج گروه آزمایشی نشان می‌دهد از مجموع ۴۰ رتبه در فهرست برگزیدگان، ۲۱رتبه به داوطلبان شهر تهران اختصاص دارد و پس از تهران، مازندران با چهار رتبه در جایگاه بعدی قرار دارد.

هم‌چنین استان‌های قم، همدان، آذربایجان شرقی و یزد هر کدام با دو رتبه در رده‌های بعدی قرار دارند و در مجموع، رتبه‌های برتر این پنج گروه از ۱۳ استان کشور به دست آمده است.

استان‌های کرمان، قزوین، البرز، کرمانشاه، فارس، خراسان شمالی و اصفهان نیز هر کدام یک رتبه از ۴۰ رتبه برتر را به خود اختصاص داده‌اند.

فهرست ۴۰ رتبه برتر پنج گروه آزمایشی آزمون سراسری سال ۱۴۰۵، از حضور داوطلبانی از ۱۳ استان کشور حکایت دارد و ۱۸ استان دیگر در میان برترین‌های کنکور سهمی ندارند که لرستان یکی از این استان‌هاست.

لرستان با جمعیتی نزدیک به دو میلیون نفر اما حتا یک رتبه تک‌رقمی یا ده‌تایی در کنکور سراسری به دست نیاورده است، نبود رتبه‌های برتر را نمی‌توان صرفاً به ضعف دانش‌آموزان یا عملکرد یک مدیر نسبت داد، کیفیت آموزش در مدارس، تفاوت سطح تدریس، کمبود دبیران توانمند در برخی مناطق و کیفیت متفاوت آموزش در مدارس برخوردار و کم‌برخوردار، نابرابری در فرصت‌های آموزشی، دسترسی نابرابر به کلاس‌های تقویتی، مشاوره تخصصی، آزمون‌های آزمایشی، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، تمرکز امکانات در مناطق برخوردار، ضعف احتمالی در شناسایی و پرورش استعدادها، نبود ارزیابی شفاف از عملکرد آموزش و... مسائلی هستند که در این زمینه دخیل بوده‌اند.

نبود نام داوطلبان یک استان در فهرست ۴۰ رتبه برتر، به‌تنهایی برای قضاوت درباره‌ی کیفیت کل نظام آموزشی آن استان کافی نیست. موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان به مجموعه‌ای از عوامل، از وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و دسترسی به امکانات آموزشی گرفته تا کیفیت تدریس، مشاوره تحصیلی، امکانات مدارس و فرصت‌های برابر آموزشی، وابسته است، با این حال، تکرار چنین وضعیتی در چند سال متوالی، ضرورت بررسی کارشناسی و شفاف عملکرد نظام آموزشی را دوچندان می‌کند، پرسش این است که چرا استانی با ظرفیت‌های انسانی قابل توجه، در رقابت برای کسب رتبه‌های برتر کنکور حضور مؤثری ندارد؟ اگر استان‌های دیگر توانسته‌اند با برنامه‌ریزی، حمایت از مدارس و استفاده از ظرفیت معلمان و خانواده‌ها زمینه موفقیت دانش‌آموزان خود را تقویت کنند، باید مشخص شود که چرا لرستان نمی‌تواند این مسیر را طی کند؛ لرستان در حوزه میانگین معدل امتحانات نهایی چندان وضعیت تعریفی ندارد، موفقیت در کنکور تنها به چند ماه مطالعه یا کلاس‌های آمادگی آزمون وابسته نیست. پایه علمی دانش‌آموزان در طول سال‌های تحصیل شکل می‌گیرد، وقتی ضعف یادگیری در دروس پایه استمرار پیدا کند، انتظار کسب رتبه‌های برتر کنکور نیز با چالش مواجه می‌شود، علاوه بر این باید توجه داشت که سال‌هاست، یک شکاف عظیم بین استان‌های توسعه یافته و محروم در رقابت کنکور نیز ایجاد شده و به نوعی «پول» نقش پررنگی در این زمینه پیدا کرده، کنکور در عمل تنها رقابت میان دانش‌آموزان و میزان استعداد آن‌ها نیست؛ برخورداری از امکانات آموزشی مکمل نیز می‌تواند در این رقابت مؤثر باشد، هزینه‌ی کلاس‌های آمادگی، آزمون‌های آزمایشی، کتاب‌های کمک آموزشی و مشاوره تخصصی برای همه‌ی خانواده‌ها در استان‌های کشور یک‌سان و قابل تأمین نیست، در خانواده‌هایی که با مشکلات معیشتی مواجه‌اند، ممکن است تأمین این امکانات دشوارتر باشد. در نتیجه، بخشی از دانش آموزان برای رقابت با داوطلبان برخوردار، مسیر دشوارتری پیش رو دارند، البته این عامل به‌تنهایی علت وضعیت لرستان را اثبات نمی‌کند؛ برای تعیین سهم آن، به داده‌های اقتصادی و آموزشی در سطح استان نیاز است و البته نمی‌توان صرفاً از زاویه به موضوع کنکور و ضعف آموزش در استانی پرداخت که حتا در توزیع نیروی انسانی خود و راهبری آموزشی‌اش استقلال لازم را نداشته و بیش‌تر تابع «تصمیمات مصلحتی» زیر بار «فشارهای سیاسی» است.

خبر و گزارش

اعتبارات جاری دانشگاه علوم پزشکی لرستان یک‌همت افزایش یافت

رییس دانشگاه علوم پزشکی لرستان با اشاره به مشکلات مالی این دانشگاه گفت:« اعتبارات جاری این دانشگاه با پیگیری‌های انجام‌شده در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مجلس شورای اسلامی، یک همت (هزار میلیارد تومان) افزایش یافته است که این اقدام به کاهش فشار بر درآمدهای اختصاصی و تامین بخشی از هزینه‌ها کمک می‌کند.»

جلال‌الدین امیری روز چهارشنبه(۲۹ مهر ماه) در نشست شورای اداری استان لرستان، اظهار کرد: «دانشگاه علوم پزشکی در سال‌های اخیر با محدودیت منابع مالی و افزایش هزینه‌ها مواجه بوده و برای مدیریت این شرایط، برنامه‌هایی با هدف افزایش درآمدهای عملیاتی، کاهش هزینه‌ها و تقویت اعتبارات جاری اجرا کرده است.»

وی افزود: «پیش از این، بخشی از هزینه‌های جاری و مزایای کارکنان از محل درآمدهای اختصاصی دانشگاه پرداخت می‌شد، اما با افزایش اعتبارات جاری، ماهانه حدود ۸۰ میلیارد تومان از هزینه‌هایی که پیش‌تر از این محل تامین می‌شد، به ردیف اعتبارات جاری منتقل شده است.»

رییس دانشگاه علوم پزشکی لرستان با اشاره به روند رشد درآمدهای این مجموعه، بیان کرد:« درآمدهای عملیاتی دانشگاه در سال ۱۴۰۵ نسبت به سال ۱۴۰۴ حدود ۱۲۰ درصد افزایش یافته و حتی با کنار گذاشتن اثر افزایش تعرفه‌های خدمات، رشد درآمدی دانشگاه همچنان قابل توجه و حدود ۷۰ درصد است.»

امیری با بیان این‌که درآمدهای دارویی دانشگاه نیز در سال ۱۴۰۴ حدود ۵۹ درصد افزایش داشته است، گفت: «بخشی از این رشد ناشی از افزایش قیمت دارو و بخشی دیگر حاصل اقدامات مدیریتی و تلاش برای بهبود عملکرد درآمدی است.»

وی با اشاره به ضرورت مدیریت هزینه‌ها و تامین نقدینگی دانشگاه، اظهار کرد: «با وجود اقدامات انجام‌شده برای افزایش درآمد و کاهش هزینه‌ها، تسویه بدهی‌های انباشته به منابع مالی قابل توجهی نیاز دارد و تامین نقدینگی برای انجام تعهدات دانشگاه ضروری است.»

وی گفت: «بدهی‌های انباشت دانشگاه به حدود سه همت کاهش یافته است اما با وجود افزایش درآمدها و تقویت اعتبارات جاری، تامین منابع لازم برای تسویه این بدهی‌ها همچنان از چالش‌های اصلی مجموعه به شمار می‌رود.»

امیری هم‌چنین از همراهی دستگاه‌های اجرایی و پیگیری‌های استاندار لرستان در حمایت از حوزه‌ی سلامت قدردانی کرد و افزود: «هماهنگی میان مجموعه دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی استان در پیشبرد برنامه‌های بهداشت و درمان نقش موثری داشته است.»

رییس دانشگاه علوم پزشکی لرستان، تاکید کرد:« با وجود محدودیت‌های مالی، ارایه خدمات درمانی به مردم ادامه داشته و در شرایط دشوار نیز خدمات اورژانسی و جراحی‌های ضروری بدون وقفه انجام شده است.»

مدیرعامل پیشین آب‌منطقه‌ای لرستان درگذشت

رضا میرزایی، مدیرعامل پیشین شرکت آب منطقه‌ای لرستان، پس از تحمل یک دوره بیماری کوتاه، صبح امروز در یکی از بیمارستان فیروزگر تهران درگذشت.

وی از ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ تا ۲۱ اردی‌بهشت ۹۹ مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای لرستان بود. کتاب «گنجینه‌ی آب لرستان» با همکاری عطا حسن‌پور از تالیفات دکتر رضا میرزایی است.

ادامه‌ی سرمقاله از صفحه‌ی نخست

وقتی زندگی منتظر تصمیم‌ها نمی‌ماند

در مقابل، کسانی که دارایی‌هایی مانند ملک و طلا یا چند منبع درآمد دارند، ممکن است راه‌های بیش‌تری برای محافظت از منابع مالی خود داشته باشند.

بنابراین، تورم فقط قیمت کالاها را بالا نمی‌برد؛ می‌تواند فاصله میان گروه‌های اجتماعی را نیز بیش‌تر کند. وقتی برخی برای تأمین نیازهای اولیه با مشکل روبه‌رو هستند و برخی دیگر امکان بیش‌تری برای حفظ دارایی‌هایشان دارند، احساس بی‌عدالتی تقویت می‌شود. مردم می‌پرسند چرا هزینه‌های بحران برای همه یک‌سان نیست و آیا کسانی که تصمیم می‌گیرند، به اندازه دیگران پیامدهای این وضعیت را تجربه می‌کنند؟ حتا اگر همه برداشت‌ها درباره گروه‌های مختلف دقیق نباشد، احساس نابرابری در تحمل فشارها می‌تواند به اعتماد عمومی آسیب بزند.

دو ساعت؛ وقتی پاسخ‌ها دیر می‌رسند

چرا ساعت زندگی مردم و ساعت تصمیم‌گیری مسئولان تا این اندازه از هم فاصله می‌گیرد؟

تصمیم‌های عمومی معمولاً باید مراحل مختلفی را طی کنند؛ از بررسی مسئله و تصمیم‌گیری گرفته تا تصویب، اجرا و ارزیابی نتیجه. این مراحل ضروری‌اند، اما وقتی فشارهای زندگی مردم سریع‌تر از روند تصمیم‌گیری پیش می‌روند، تأخیرها هزینه‌ساز می‌شوند.

برای خانواده‌ای که هر روز با افزایش هزینه‌ها روبه‌روست، چند هفته ممکن است تفاوت میان پرداخت اجاره و گرفتارشدن در بدهی باشد. اما در یک دستگاه اداری، همین چند هفته ممکن است بخشی از روند معمول کار تلقی شود. در نتیجه، وقتی یک مسئله هنوز در مرحله بررسی است، ممکن است زندگی بسیاری از مردم از قبل تحت تأثیر آن قرار گرفته باشد.

این فاصله را نمی‌توان صرفاً به بی‌توجهی مسئولان نسبت داد. گاهی اطلاعات و تجربه‌های مردم به‌درستی به تصمیم‌گیران منتقل نمی‌شود؛ گاهی مسئولیت‌ها میان دستگاه‌های مختلف تقسیم شده است و هیچ نهادی پاسخ روشنی نمی‌دهد؛ و گاهی تصمیم گرفته می‌شود، اما اجرای آن به تأخیر می‌افتد. در همه این حالت‌ها، مشکل این است که سرعت پاسخ‌گویی با سرعت شکل‌گیری بحران هماهنگ نیست.

وقتی مردم بارها از مشکلات خود می‌گویند، اما تغییر محسوسی در زندگی‌شان نمی‌بینند، ممکن است احساس کنند صدایشان شنیده نمی‌شود. در چنین شرایطی، حتا وعده‌های درست نیز به‌سختی باور می‌شوند. درخواست صبر زمانی پذیرفتنی است که نشانه‌ای از تغییر وجود داشته باشد و مردم بتوانند نتیجه تصمیم‌ها را در زندگی خود ببینند.

به این ترتیب، فاصله میان دو ساعت فقط یک مشکل اداری نیست؛ می‌تواند به شکاف اعتماد تبدیل شود. مردم بحران را هر روز تجربه می‌کنند، اما اگر پاسخ‌ها دیر برسند، ممکن است به این نتیجه برسند که نهادهای تصمیم‌گیر از واقعیت زندگی آنان فاصله گرفته‌اند.

بازگرداندن امکان تصور آینده

تورم شدید در کنار نااطمینانی سیاسی، فقط قدرت خرید مردم را کاهش نمی‌دهد؛ توان آن‌ها برای برنامه‌ریزی و ساختن آینده را نیز محدود می‌کند. جامعه‌ای که بیش‌تر انرژی خود را صرف تأمین نیازهای امروز می‌کند، فرصت کمتری برای فکرکردن به فردا خواهد داشت.

از این رو، مسئله فقط این نیست که تورم چه زمانی کاهش می‌یابد؛ باید پرسید مردم چه زمانی دوباره می‌توانند برای چند ماه و چند سال آینده برنامه بریزند؟ آیا می‌توانند به تصمیم‌های اقتصادی خود اعتماد کنند؟ و آیا هزینه‌های بحران به شکلی عادلانه توزیع می‌شود که بتوان آن را منصفانه دانست؟

مهار تورم به سیاست‌های اقتصادی درست نیاز دارد، اما بازسازی اعتماد نیز به رفتار قابل مشاهده، پاسخ‌گویی و مشارکت واقعی وابسته است. مهم‌تر از همه، سیاست‌گذاری باید بتواند با سرعتی متناسب با زندگی مردم عمل کند. سرانجام مسئله‌ی اصلی، کم‌کردن فاصله میان دو ساعت است: ساعت مردمی که بحران را هر روز زندگی می‌کنند و ساعت نهادهایی که باید برای آن راه‌حل پیدا کنند.

منابع:

۱- محمودی، برهان (۱۴۰۵، ۸ مهر). «نرخ تورم سالانه در شهریور ماه ۷۳.۶ درصد شد/ درآمد سالانه هر خانوار ایرانی چند؟». خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا).

۲- طهماسبی، رضا (۱۴۰۵). «گونه‌شناسی تاریخی تورم در ایران؛ مسعود نیلی: اقتصاد ایران در حال انتقال از یک تورم مزمن ۴۴ ساله به یک دوره جدید است». اقتصادنیوز؛ گفت‌وگو با مسعود نیلی، منتشرشده در هفته‌نامه تجارت فردا، شماره ۶۴۶

آگهی

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۴۸۷ جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت به‌نام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

۱- تقاضای «ابوالقاسم خسروی» فرزند «رجب علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۳۸۳۵,۲۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۸۵» فرعی از «۱۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب علی خسروی فرزند کوچک علی»

۲- تقاضای «ابوالقاسم خسروی» فرزند «رجب علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۱۸۸۵,۷۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۷۵» فرعی از «۱۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب علی خسروی فرزند کوچک علی»

۳- تقاضای «ابوالقاسم خسروی» فرزند «رجب علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۶۱۷,۲۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۷۸» فرعی از «۱۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه « رجب علی خسروی فرزند کوچک علی»

۴ - تقاضای «ابوالقاسم خسروی» فرزند «رجب علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۴۵۳۹,۵۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۸۱» فرعی از «۱۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب علی خسروی فرزند کوچک علی»

۵ - تقاضای «ابوالقاسم خسروی» فرزند «رجب علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۷۷۱,۲۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۸۴» فرعی از «۱۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب علی خسروی فرزند کوچک علی»

۶- تقاضای «ابوالقاسم خسروی» فرزند «رجب علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۳۷۸۳,۶۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹۴» فرعی از «۱۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب علی خسروی فرزند کوچک علی»

۷ - تقاضای «ابوالقاسم خسروی» فرزند «رجب علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۳۲۷۶,۶۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۸۳» فرعی از «۱۷» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب علی خسروی فرزند کوچک علی»

۸ - تقاضای «راضیه حیدری» فرزند «محمد قدیر» نسبت به «سه دانگ مشاع ازشش‌دانگ یکباب ساختمان(دکان)»و حسین حیدری نسب فرزند محمد صادق نسبت به سه دانگ مشاع ازشش‌دانگ یکباب ساختمان(دکان) به‌مساحت «۱۶,۳۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۰» فرعی از «۳۲۱۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسین حیدری نسب و راضیه حیدری»

۹ - تقاضای «راضیه حیدری» فرزند «محمد قدیر» نسبت به «سه دانگ مشاع ازشش‌دانگ یکباب ساختمان(دکان)» و حسین حیدری نسب فرزند محمد صادق نسبت به سه دانگ مشاع ازشش‌دانگ یک‌باب ساختمان(دکان) به‌مساحت «۱۲,۸۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۰» فرعی از «۳۲۱۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسین حیدری نسب و راضیه حیدری»

۱۰- تقاضای «راضیه حیدری» فرزند «محمد قدیر» نسبت به «سه دانگ مشاع ازشش‌دانگ یکباب ساختمان(دکان)»و حسین حیدری نسب فرزند محمد صادق نسبت به سه دانگ مشاع ازشش‌دانگ یکباب ساختمان(دکان) به‌مساحت «۹,۲۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۰» فرعی از «۳۲۱۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسین حیدری نسب و راضیه حیدری»

شناسه: ۲۲۹۴۵۹۲

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۵/۰۷/۱۸) نوبت دوم: (۱۴۰۵/۰۸/۰۳)

محمد آجرلو

معاون مدیر کل وسرپرست اداره‌ی ثبت اسناد و املاک بروجرد

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان الیگودرز-سری (۳۷۶) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی الیگودرز مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت به‌نام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۵/۰۸/۰۳)

نوبت دوم: (۱۴۰۵/۰۸/۱۸)

۱- تقاضای «زهرا کمری» فرزند «حسینعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبیزار» به‌مساحت «۱۸۵۰۸,۴۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۲» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالکیت رسمی حمید سیاهتیری»

۲- تقاضای «محمد لونی» فرزند «صفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۷۱۸,۹۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خریداری از خانعلی لونی»

۳- تقاضای «حسین سمیعی زاده» فرزند «صفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۷۱۸,۹۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه « خریداری از خانعلی لونی»

۴ - تقاضای «علی حسین جمعه» فرزند «امیر» نسبت به «شش‌دانگ ساختمان مسکونی» به‌مساحت «۱۰۱,۸۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالکیت محمدصادق میرزایی»

۵ - تقاضای «محمد رفیعی» فرزند «عین اله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۳۰۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۸۲» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالکیت رضا رفیعی»

۶- تقاضای «علی هداوند» فرزند «میرزاحسین» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۶۵۲۳۱,۸۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خروجی از سند مشاعی خود متقاضی»

۷ - تقاضای «علی هداوند» فرزند «میرزاحسین» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۵۱۵,۱۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خروجی از سند مشاعی خود متقاضی»

۸ - تقاضای «علی هداوند» فرزند «میرزاحسین» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» به‌مساحت «۲۹۰۱۹,۱۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « » فرعی از «۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خروجی از سند مشاعی خود متقاضی»

۹ - تقاضای «میرزامراد میرزائی» فرزند «محراب» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی دیمزار» به‌مساحت «۱۵۳۷,۳۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳۶۱» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالکیت رسمی وراث محمدتقی-محمدنبی-محمدعلی-محمدرضا شمسی-وراث سهراب جلیلی-و خانم فاطمه سعادت»

۱۰- تقاضای «عبداله گودرزی» فرزند «علیرضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۱۶۹۸,۹۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۰۳۷» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالکیت علی اصغر طاهری فرزند حسینعلی و نسترن علی عسگری فرزند عبداله(سهم الارث مادرش به نام خانم سلطان طاهری فرزند حسین علی)»

امیرحسین خلیلی

رییس اداره‌ی ثبت اسناد و املاک الیگودرز

یادداشت

خاطره و مستندنگاری ماجراهای من و سیاست

علی گودرزیان

فصل سوم/بخش ۴۳/ انتخابات مجلس هفتم، طرهان(۱)

طرهان بزرگ یا کوهدشت[1] قطعه‌ای از پازل استان است. در سیاسی‌ترین شهرستان ایران و لرستان مجلس هفتم با تبعات مجلس ششم در حال برگزاری است. برای این‌که بتوانیم قصه‌ی مجلس هفتم را به کمال و تمام روایت کنیم نیاز هست که به روند انتخابات مجلس ششم سرک بکشیم!

طرهان بزرگ جایگاه آدم‌های بزرگی است که نتوانستند بر یک گلیم بخسبند و با کنش‌های شخصی که با هم داشتند، فرصت‌های زیبا و دست یافتنی جمعی را نابود ساختند، موقعیت‌ها و ظرفیت‌ها را چون بادهای صرصر از دست دادند. زمان را که چون ابرهای شناور آسمان در حرکت بود، غنیمت نشمردند و آینده و سرنوشت فرزندان کوهدشت را به نام چپ و راست و اصول و اصلاح، به مسلخ بردند!

عادت ندارم به هیچ‌کسی توهین کنم؛ خیلی وقت است یاد گرفته‌ام از کسی به دل نگیرم و راوی روایت دل‌های بی‌غش باشم؛ اما نمی‌توانم بگویم نمایندگان کوهدشت در قبال بدبختی و سیاه‌روزی و فقر و فلاکت مردم بزرگ طرهان و هم‌چنین آوارگی جوانان تحصیل‌کرده و ناکرده، مقصر نیستند! آنان همه مقصر هستند هرچند مقصر اساسی دستگاهی بود که تنها زمینه‌ی رشد و نمو برخی آدم‌ها را فراهم می‌کرد. ۴۵ سال از انقلاب گذشته است و در این ۴۵ سال بیش از ۱۸ انتخابات مجلس شورای اسلامی در طرهان بزرگ برگزار شده است.

از ۱۲ دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، طرهان بزرگ ۱۱ دوره صاحب نماینده بوده‌است و اگر بخواهیم سهم جناح‌های سیاسی را جداجدا در نمایندگی مردم کوهدشت بیان کنیم ۳۰ سال تمام در دست راستگرایان و اصولگرایان (علی امامی‌راد ۱۴ سال که هنوز ادامه دارد، علی قبادی۴ سال، محمدرضا عباسی فرد ۴سال، زنده‌یاد الهیار ملکشاهی هم ۸ سال)، ۶سال در دست چپ‌ها و اصلاح‌طلبان(علی اسفندیارپور ۲سال و اسماعیل دوستی ۴ سال)، ۴سال هم در دست شیخ اجماع محمدرضا مبلغی و هم‌چنین ۴ سال یعنی تمام دوره‌ی مجلس سوم هم بدون نماینده، بوده است.

طرهان، امروز مصداق سرزمین سوخته‌ای است که ملاقه‌ی منابع آن، به ته دیگ رسیده است. چشمه‌ها و رودهایش خشکیده و چاه‌های آبش بی‌آب شده و موج مهاجرت از کوهدشت به مرکز استان و تهران فزونی گرفته است. هیچ سیاستمداری نیست که نداند حیات کوهدشت به ساخت سد گاوشمار بند است و اگر سد گاوشمار ساخته نشود در آینده کوهدشت کویرِ لوت لرستان می‌شود!

شاهرخی استاندار لرستان امروز ماموریت خود را ساخت سد معشوره دانسته و در روز معارفه اعلام کرده است:«معشوره ساخته نشود کوهدشت باید تخلیه شود و ما آمده‌ایم معشوره را بسازیم!» طوری شده که اگر تنها کارنامه‌ی مهندس شاهرخی ساخت سدگاوشمار باشد مردم به او آفرین خواهند گفت!

سیاسی‌ترین شهر ایران و لرستان از صدقه سری لیدرهای سیاسی خود و نمایندگانی سیاسی که جز سیاست دغدغه و تخصصی نداشتند! امروز به فلک زده ترین شهرستان ایران با درصد بالای بی‌کاری جوانان، تبدیل شده است.

دریغا که از نماینده‌ی کنونی کوهدشت ملتمسانه و خیرخواهانه خواستم به تاوان سال‌های گذشته، در این فرصت تازه و در این بازه‌ی زمانی حساس، پیشانی سیاست را ببوسد و کنار بگذارد و از نخبگان حمایت کند و کفن بپوشد و این بار نه برای حمله به غربگرایان مجلس ششم؛ بلکه برای احقاق حق سرزمین سوخته، حقوق پایمال شده‌ی مردم طرهان بزرگ، پاشنه‌ی درِ وزارتخانه‌ها را از ریشه در بیاورد! فریادی از گوش جگر برآورد و چنان آذرخش بر سر وزیران و وکیلان بخروشد و حق مردم را مطالبه کند و داد مردم را بستاند!

می‌دانم این توصیه‌ی من بینوا، به پشیزی گرفته نشده‌است و گرفته نمی‌شود برای مثال یک‌سال است برای نگه‌داری مدیران آموزش و پرورش طرهان بزرگ که نه خود انگیزه‌ی ماندن در این مناصب را دارند نه فضا را برای کار کردن مهیا می‌بینند، نماینده‌ی سرزمین سوخته، با مدیر کل آوپ استان لرستان کلنجار می‌رود و این درحالی است که بی‌شمار نیروهایی نخبه و کارآمد در طرهان بزرگ خاک می‌خورند!

دلم گاهی نه به حال مردم؛ بلکه به حال کسانی می‌سوزد که خود نمی‌دانند چه فرصت‌هایی را برای برگشت به قلب مردم دارندو خود نمی‌دانند! نمی‌دانند که عزت آنان کجاست!؟ نمی‌دانند که گاهی باید به باورهای خود مشکوک شد! نمی‌دانند که «آنِ» آدم‌ها تکرار ناشدنی است و سرآخر نمی‌دانند که خداوند به هرکسی فرصت برگشتن به مسیر درست را نمی‌دهد!

۱-سخن گفتن و یا نوشتن از انتخابات مجلس در طرهان بزرگ، آب را در دهان‌ها خشک می‌کند و قلم‌ها را به رعشه می‌اندازد. ذهن‌ها را به تصویرهای تراژدیک می‌رساند و گلوها را پر از بغضی ناشکفته ناشی از حسرت روزهای خوب از دست رفته می‌کند و در نهایت آدم را خسته و زخمی و دمق می‌کند!

ادامه دارد...

یادداشت

سنجاب آنلاین

محسن تیزهوش

یک سنجاب کوچک در صفحه‌ای اینستاگرامی برای فروش گذاشته شده است. ادمین با او بازی می‌کند، نوازشش می‌کند و حرکت‌هایش را به دوربین نشان می‌دهد؛ انگار می‌خواهد ثابت کند این موجود کوچک اهلی است و می‌تواند در خانه زندگی کند. زیر ویدئو، عده‌ای درباره‌ی غذا و نگه‌داری سنجاب می‌پرسند و عده‌ای دیگر می‌نویسند که جای این حیوان در جنگل است، نه خانه. پاسخ ادمین آماده است: از بچگی در قفس بوده، به انسان عادت دارد و وحشی نیست! این صحنه، تصویری تازه از مسئله‌ای قدیمی است. قاچاق حیات‌وحش در ایران همچنان ادامه دارد؛ با این تفاوت که حالا بخشی از آن در ویترین شبکه‌های اجتماعی عرضه می‌شود.

ظاهر آرام و رفتار بی‌هراس سنجاب در برابر دوربین، چیزی درباره منشأ آن نمی‌گوید. عادت‌کردن به انسان نیز به معنای اهلی‌بودن نیست. اما سنجاب‌هایی که در این صفحات به فروش می‌رسند، از کجا می‌آیند و چه مسیری را از زیستگاه طبیعی تا قفس و صفحه‌ی فروش طی می‌کنند؟ پژوهشی با عنوان «بررسی نقش اینستاگرام در تجارت غیرقانونی سنجاب ایرانی» آگهی‌های عمومی این شبکه اجتماعی در ایران را از اوت ۲۰۲۱ تا ژانویه ۲۰۲۳ بررسی کرده است. پژوهشگران در این بازه، ۱۲۰۴ آگهی شامل ۱۴۹۴ سنجاب را شناسایی کردند. بیشتر سنجاب‌های آگهی‌شده نابالغ بودند. در حدود نیمی از تصاویر، سنجاب‌ها در دست انسان دیده می‌شدند و بیش از یک‌سوم آن‌ها بیرون از قفس بودند. پژوهش هم‌چنین نشان می‌دهد که فروشندگان با تأکید بر رام‌بودن سنجاب و امکان نگه‌داری آن در خانه، تلاش می‌کنند این حیوان را به‌عنوان یک حیوان خانگی مناسب معرفی کنند. در چنین تصاویری، آنچه به نمایش درمی‌آید رفتار حیوان در برابر دوربین است؛ نه لزوماً شرایطی که پیش از رسیدن به صفحه فروش تجربه کرده است.

سنجاب ایرانی از ساکنان جنگل‌های زاگرس است. این جانور از دانه‌های بلوط تغذیه می‌کند و بخشی از آن‌ها را برای مصرف بعدی در خاک پنهان می‌کند. بعضی از این دانه‌ها فراموش می‌شوند و فرصت جوانه‌زنی پیدا می‌کنند؛ رفتاری که می‌تواند در پراکنش بذر و باززایی جنگل نقش داشته باشد. جنگل‌های زاگرس با تهدیدهای گوناگونی مانند خشکسالی، آتش‌سوزی و تخریب زیستگاه روبه‌رو هستند و سرنوشت آن‌ها به یک گونه وابسته نیست. بااین‌حال، سنجاب نیز بخشی از شبکه پیچیده حیات در این جنگل‌هاست؛ جانوری که زندگی‌اش در فضای بسته خانه از زیستگاه و نقش طبیعی‌اش جدا می‌شود.

قاچاق سنجاب را نمی‌توان جدا از شرایط اجتماعی و اقتصادی مناطق زیست این جانور بررسی کرد. دشواری معیشت و نبود فرصت‌های شغلی، بخشی از واقعیت زندگی مردم است؛ اما این واقعیت، پیامدهای قاچاق حیات‌وحش را از میان نمی‌برد. در سوی دیگر، تقاضای خریداران نیز به ادامه این چرخه کمک می‌کند. هر خرید می‌تواند به تداوم بازاری کمک کند که در آن حیات‌وحش از زیستگاه خود جدا می‌شوند و به بازارهای واقعی یا مجازی راه پیدا می‌کنند.

تجارت حیات‌وحش چالش جدیدی نیست و خرید و فروش سنجاب نیز پدیده‌ای جدا از آن به شمار نمی‌رود. آن‌چه تغییر کرده، شکل عرضه و دسترسی آسان‌تر به خریدار است. در شرایطی که مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی وجود دارد، شاید پرداختن به سرنوشت یک جانور کوچک در نگاه نخست موضوعی بیهوده به نظر برسد؛ اما تنوع‌زیستی مسئله‌ای جدا از زندگی انسان و آینده نسل بعدی نیست.

اینک، سنجاب آنلاین است؛ در دسترس، قابل تماشا و قابل خرید. اما زندگی این جانور به آن‌چه در صفحه‌ی تلفن همراه دیده می‌شود محدود نیست. پشت هر آگهی، جانوری زنده قرار دارد که بقایش به زیستگاهی وابسته است که از آن جدا شده است. سنجاب ایرانی به اکوسیستم جنگل تعلق دارد، نه به چهاردیواری یک آپارتمان شهری. توقف این تجارت غیراخلاقیِ حیات‌وحش، به‌ویژه در بستر شبکه‌های اجتماعی، به راه‌کارهای تخصصی، نظارت مؤثر، آموزش و ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب نیاز دارد؛ اقداماتی که بتوانند این روند را تا حد امکان محدود کنند. * **کوشنده‌ی محیط‌زیست**

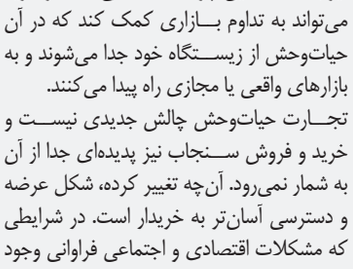

ادامه‌ی گزارش از صفحه‌ی نخست

کانون کارشناسان لرستان؛ از ۲۰ سال پایداری تا ضرورت ارتقای کیفیت و جایگاه تخصصی در توسعه‌ی استان

همایش گرامی‌داشت روز کارشناس در خرم‌آباد برگزار شد

تهدیدها و ضرورت حرکت به سوی کیفیت و استانداردهای روز

عبدی‌وسطا با اشاره به وجود ۱۵ مرجع کارشناسی موازی در کشور، رقابت را یک تهدید جدی خواند و تأکید کرد: «برای حفظ جایگاه و اعتبار حرفه‌ای، کارشناسان باید همگام با علم روز حرکت کنند و کیفیت نظریه‌های کارشناسی افزایش یابد. نظریه‌های کارشناسی نباید متکی بر گمانه‌زنی‌های عامیانه باشد، بلکه باید مستند، علمی، دقیق و دفاع‌پذیر ارائه شود.»

وی از توسعه واحدهای آموزشی کانون و فعالیت ۱۳ کارگروه تخصصی با ۱۳۰ عضو خبر داد و بر لزوم رعایت اخلاق حرفه‌ای، تکریم ارباب‌رجوع و خویشتن‌داری کارشناسان در مواجهه با مراجعان تأکید کرد.

رییس هیئت‌مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان لرستان در بخش دیگری از سخنانش ضمن طرح نکات طنازانه درباره جایگاه کارشناسی و تشبیه کانون به خودروی «تویوتا»، بر لزوم تقویت کیفیت، استناد علمی و جایگاه بازوی مشورتی دستگاه قضا و توسعه استان تأکید کرد.

ما باید «تویوتا» باشیم!

وی با لحنی طنزآموز به خاطره بازدید از یک نمایشگاه خودرو در اصفهان اشاره کرد و گفت: «در آن نمایشگاه هر نوع خودرویی بود اما از تویوتا خبری نبود؛ مدیر نمایشگاه گفت تویوتا نیازی به تبلیغ ندارد و همه می‌شناسندش. ما نیز به عنوان کانون کارشناسان باید به گونه‌ای عمل کنیم که کیفیت نظریه‌ها و دقت کار ما هم‌چون «تویوتا» بی‌نیاز از تبلیغ باشد.»

رییس هیئت‌مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان لرستان، با تأکید بر توسعه‌ی آموزش‌های تخصصی، رعایت اخلاق حرفه‌ای و تکریم ارباب‌رجوع را از وظایف بنیادین کارشناسان برشمرد.

شعر خوانی پایانی

عبدی‌وسطا سخنان خود را با قرائت سروده‌ای در وصف روز کارشناس و جایگاه خطیر این حرفه به پایان برد:

گویند دو بازوی قاضی وکیل است و کارشناس
بی‌کارشناس لنگ است کار این دو خداشناس
رنگ فراوان باید تا کند دل‌داده را عیان
درود بر شما که هستید چشم عدالت، کارشناسان
وسیله کشف حقیقت، نظر مبتنی بر علم و فن
کارشناسان چشم بینای قضات‌اند در هر انجمن.....

روز کارشناس، ضرورت بهره‌گیری از خرد کارشناسی در حکم‌رانی محلی

نادر آزادبخت، نویسنده، پژوهشگر و بازرس اصلی کانون کارشناسان رسمی لرستان، در این آیین، کارشناسی را نهادی پویا و تعهدی بی‌بدیل در جهت شناخت حق، گسترش عدالت، امنیت پایدار، افزایش حقوق شهروندی و کاهش آلام فردی و اجتماعی دانست که در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کند. آزادبخت با اشاره به جایگاه این نهاد دیرینه‌سال گفت:« نهاد کارشناسی میان مردم و چه بسا نخبگان و مدیران، کمتر شناخته شده و قدر یافته است.»

وی افزود:« از این‌رو خردورزی و عقلانیت ایجاب می‌کند که بهره‌گیری از این گنجینه متنوع در حوزه‌های تصمیم‌سازی، تدبیر و حکمرانی جدی‌تر گرفته شود؛ به‌ویژه کارشناسان رسمی که نهادی برخامه‌ی انتخابات و کارآمدی است.»

بازرس اصلی کانون کارشناسان رسمی لرستان در پایان تأکید کرد:« ضرورت بهره‌گیری از این ظرفیت‌های کمتر شناخته‌شده در استان لرستان به مراتب بیش‌تر و پیش‌تر احساس می‌شود.»

بر پایه‌ی گزارش خبرنگار سیمره، این همایش با تجلیل از کارشناسان برتر، اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری به پایان رسید. برای نمونه از افراد زیر با اهدای لوح سپاس تجلیل شد:

سید جلال‌الدین طاهری، منصور ساکی، حمزه حیات‌پور، مهرداد مرادی، محمدمهدی نیازی، بهروز بهاروند احمدی، روح‌الدین محمودیان، سیمین بهاروند، مصطفی باقری‌فرد، مجتبا رضایی رشنودی، سعید امرایی، سرهنگ سعید آبباریکی، علی آربایی، سید محمدرضا موسوی، دکتر مهدی رفتاری، سعید فلاحی، مهدی کاظمی، محمد سپه‌وند، دکتر امیر الفتی

اجرای موسیقی شاد محلی، اجرای برنامه‌ی طنز و سرگرمی با هنرمندی سامان اعتباری و هم‌چنین اجرای موسیقی ملی و محلی گروه موسیقی خورشید با خوانندگی و سرپرستی رهام خورشیدوند، بسار عالی بودو خورشید به گفته‌ی خودش موسیقی را با خوانش غزلی از حضرت حافظ آغازید و پیوست آن اجرای موسیقی محلی لرستان بود که شوری در سالن برپا کرد و همه‌ی باشندگان را بر سر ذوق آورد. سخن‌رانی‌های کوتاه و مفید، تونع برنامه و نظم و انضباط از نکات خوب این همایش بود.

بر پایه‌ی گزارش خبرنگار ما، عصر همین روز (یکم آبان‌ماه)، جشن روز کارشناس باحضور شورمند و پرشکوه خانواده‌های کارشناسان رسمی دادگستری در سالن نمایش شهید آوینی اداره‌کل فرهنگ وارشاد اسلامی لرستان برگزار شد.

برگزاری مسابقه‌ی خانوادگی برای همسران کارشناسان، هنرنمایی گروه طنز و کمدی «نیمرخ» باهدف ارتقای روحیه‌ی خانواده‌ها و قدرشناسی از دوازده نفر از دیگر برنامه‌های عصر بود.

هم‌چنین مشارکت و همکاری کانون کارشناسان رسمی دادگستری لرستان در کار خیر حمایت از دانش‌آموزان بی‌سرپرست در راستای انجام مسئولیت اجتماعی، بخش دیگری از فعالیت‌های کانون به شمار می‌رود.

آگهی

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان کوهدشت-سری (۷۱۳) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی کوهدشت مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت به‌نام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول:(۱۴۰۵/۰۸/۰۳) نوبت دوم:(۱۴۰۵/۰۸/۱۸)

۱- تقاضای «مراد کوشکی» فرزند «علی مراد» نسبت به «۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/ قطعه زراعی» به‌مساحت «۲۱۹۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۷۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «باقربگ احمدی»

۲- تقاضای «رضا کریمی» فرزند «شهولی» نسبت به «شش‌دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی» به‌مساحت «۱۲۰۸۴,۶۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۱۵» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عباسعلی احمدی نسب»

۳- تقاضای «حسین بگ تیموری شکیب» فرزند «شرف» نسبت به «۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/ قطعه زراعی» به‌مساحت «۳۶۴۱,۴۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه « شاهمراد ترک زاده قلعه»

۴ – تقاضای «حسین بگ تیموری شکیب» فرزند «شرف» نسبت به «۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/ قطعه زراعی» به‌مساحت «۷۵۸۱,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شاهمراد ترک زاده قلعه»

۵ – تقاضای «حسین بگ تیموری شکیب» فرزند «شرف» نسبت به «۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/ قطعه زراعی» به‌مساحت «۲۴۷۱,۰۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شاهمراد ترک زاده قلعه»

۶– تقاضای «حسین بگ تیموری شکیب» فرزند «شرف» نسبت به «۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/ قطعه زراعی» به‌مساحت «۳۰۴۰,۸۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شاهمراد ترک زاده قلعه»

۷ – تقاضای «حسین بگ تیموری شکیب» فرزند «شرف» نسبت به «۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/ قطعه زراعی» به‌مساحت «۳۷۶۴,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شاهمراد ترک زاده قلعه»

۸ – تقاضای «حسین بگ تیموری شکیب» فرزند «شرف» نسبت به «۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/ قطعه زراعی» به‌مساحت «۲۶۵۲,۶۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شاهمراد ترک زاده قلعه»

۹ – تقاضای «حسین بگ تیموری شکیب» فرزند «شرف» نسبت به «۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/ قطعه زراعی» به‌مساحت «۳۷۱۴,۵۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شاهمراد ترک زاده قلعه»

۱۰– تقاضای «حسین بگ تیموری شکیب» فرزند «شرف» نسبت به «۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/ قطعه زراعی» به‌مساحت «۹۷۴۵,۳۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شاهمراد ترک زاده قلعه»

هوشنگ اسکندرنیا، رییس اداره ثبت اسناد و املاک کوهدشت

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۴۸۶ جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت به‌نام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

۱- تقاضای «بابامراد ولی الهی» فرزند «مراد» نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان مسکونی» به‌مساحت «۱۶۰,۳۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۸» فرعی از «۳۶۱۳» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ورثه ضیایی-فاطمه ضیایی فرزند کوچک علی»

۲- تقاضای «اعظم محمدی» فرزند «صادق» نسبت به «۱,۹۶ سهم مشاع از ۹۶ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۹۷۵۷,۷۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۰» فرعی از «۳۵۰۳» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالک اولیه»

۳- تقاضای «فرهاد ولیپوری گودرزی» فرزند «شیرمحمد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۵۱۱۰,۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۴۸» فرعی از «۷۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه « شیرمحمد ولیپوری گودرزی فرزند علی بیگ و محمد صادق گودرزی فرزند حمزه علی»

۴ – تقاضای «روح اله منادی» فرزند «محمد» نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان مسکونی» به‌مساحت «۱۰۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۴۱۱۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «روح اله منادی و مهرماه دارابی فرزند جواد»

۵ – تقاضای «محمود کاوسی» فرزند «علیرضا» نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان مسکونی» به‌مساحت «۱۰۹,۹۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۴۹» فرعی از «۳۷۸۹» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «احد-عباس-عبدالواحد و عبدالصمد صابونی و نورمراد کاوند»

۶– تقاضای «ابراهیم زندی» فرزند «محمد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ و بنای احداثی آن(باغ ویلا)» به‌مساحت «۳۲۵۷,۱۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۹۹» فرعی از «۱۲» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد و غلامرضا زندی فرزندان صادق»

۷ – تقاضای «ابراهیم زندی» فرزند «محمد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۲۲۸۷۵,۸۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۹۷» فرعی از «۱۲» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد و غلامرضا زندی فرزندان صادق»

۸ – تقاضای «عباس عامری» فرزند «محمد ولی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۱۶۱۲,۵۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۲۹» فرعی از «۳۵» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عباس عامری خونریز فرزند محمد ولی»

۹ – تقاضای «محمد خمسه» فرزند «علی محمد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۳۸۸۶,۹۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۸۴» فرعی از «۷۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی حسین حاتمی فرزند حسین»

۱۰– تقاضای «علی محمد فتح الهی» فرزند «اصغر» نسبت به «سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یکباب ساختمان مسکونی»وعبدالمحمد فتح الهی فرزند اصغر نسبت به سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یکباب ساختمان مسکونی به‌مساحت «۱۰۶,۲۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۱» فرعی از «۳۳۵۴» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعباس ادراکی فرزند رحیم»/ شناسه: ۲۲۹۴۶۰۳ **تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۱۸ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۳**

محمد آجرلو، معاون مدیر کل وسرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

یادداشت

«لر آرنا»؛ نامی نامناسب برای ورزشگاه خیبر خرم‌آباد

دکترمحمدجعفر محمدزاده*

من از دوستداران تیم فوتبال خیبر خرم‌آبادم؛ نه از امروز، بلکه از سه چهار دهه پیش، از روزهایی که این تیم در لیگ‌های دسته یک و جام حذفی حضور داشت. در دهه شصت در لاهیجان دانشجو بودم که برای تماشای بازی‌های خیبر و ملوان به بندر انزلی می‌رفتیم؛ بنابراین، آنچه می‌نویسم، از نگاه یک هوادار قدیمی خیبر خرم‌آباد با دغدغه پاسداشت زبان فارسی و هویت ملی ایران است.

در خبرها خواندم که ورزشگاهی بزرگ، که نام اصلی آن شهدای لرستان است، با نام «لر آرنا» در خرم‌آباد، با حمایت مسئولان، استانداری لرستان و باشگاه خیبر خرم‌آباد در حال راه‌اندازی است. بی‌تردید، فراهم شدن چنین مجموعه‌ای برای ورزش استان و هواداران پرشور خیبر، اتفاقی فرخنده است؛ اما به گمان من، این نام‌گذاری از دو جهت نیازمند بازنگری است: استفاده از واژه‌ای بیگانه به جای واژه فارسی و وارد کردن عنوانی قومیتی به نام یک مجموعه ورزشی.

نخست؛ چرا «آرنا» به جای «ورزشگاه»؟

در زبان فارسی، واژه روشن، آشنا و رسای «ورزشگاه» را داریم. چه ضرورتی دارد که برای نام‌گذاری یک مجموعه ورزشی، واژه‌ای بیگانه را جایگزین آن کنیم؟ ممکن است گفته شود که چنین نام‌گذاری‌هایی در استانی دیگر نیز شده است؛ اما پیدا کردن یک نمونه اشتباه، به معنای درستی آن کار نیست. اگر در جایی از زبان فارسی غفلت شده، نباید همان اشتباه را تکرار کرد؟

نام‌گذاری اماکن عمومی فرصتی برای توجه و پاسداشت زبان ملی است. مسئولان و مدیران باشگاه خیبر می‌توانند با انتخاب نامی درست و ایرانی، هم به این تیم و هوادارانش احترام بگذارند و هم سهمی در تقویت زبان مشترک ایرانیان داشته باشند.

دوم؛ نباید ورزش را با قومیت پیوند بزنیم؟

خیبر بیش از چهار دهه است که با نام «خیبر خرم‌آباد» در فوتبال ایران شناخته می‌شود. اگر مسئولان باشگاه قصد دارند دامنه هواداری و اعتبار تیم را از خرم‌آباد به سراسر استان گسترش دهند، می‌توانند نام «خیبر لرستان» را در نظر بگیرند. این نام، گستره جغرافیایی مورد نظر را نشان می‌دهد، بی‌آنکه لازم باشد عنوانی قومیتی وارد نام تیم یا ورزشگاه شود.

در همین چارچوب، به نظر من، نام «خیبر خرم‌آباد» یا «خیبر لرستان» بر «خیبر لرتباران» که گاهی در گفت‌وگوها، خبرها و شعارهای روی سکوها شنیده می‌شود، برتری دارد. سخن بر سر ارزشمندی هویت و فرهنگ لری نیست؛ سخن بر سر این است که نام یک تیم ورزشی تا چه اندازه باید بر تعلق قومی تأکید کند. نام شهر یا استان، ضمن حفظ پیوند تیم با خاستگاهش، امکان همراهی و هواداری همه ایرانیان را فراهم می‌کند؛ اما عنوان‌های قومیتی ممکن است ناخواسته مرزبندی‌هایی ایجاد کنند که با کارکرد هم‌بستگی‌آفرین ورزش سازگار نیست.

در فوتبال ایران، تیم‌های متعددی با نام شهرها و مناطق جغرافیایی خود شناخته می‌شوند؛ از ملوان بندر انزلی و نفت آبادان گرفته تا فجر سپاسی شیراز، مس رفسنجان و تراکتور تبریز. این نام‌ها پیوند تیم‌ها با خاستگاه خود را نشان می‌دهند، اما در عین حال، امکان هواداری مردم دیگر مناطق کشور را نیز فراهم می‌کنند.

تصور کنیم اگر چنین الگویی از نام‌گذاری قومیتی گسترش یابد، آیا فردا باید منتظر نام‌هایی چون «ترک آرنا» و ترک‌تباران،«گیل آرنا» و گیل‌تباران، «کرد آرنا» و کردتباران یا «بلوچ آرنا» و بلوچ‌تباران برای ورزشگاه‌ها و تیم‌های کشور باشیم؟ علاقه به زبان، فرهنگ و میراث تاریخی هر منطقه، امری طبیعی و ارزشمند است؛ اما هویت محلی نباید در برابر هویت ملی قرار گیرد و ورزش نیز نباید به عرصه‌ای برای برجسته‌سازی مرزبندی‌های قومی تبدیل شود.

تجربه تاریخی برخی کشورها، از جمله یوگسلاوی، نشان می‌دهد که رقابت‌های ورزشی در شرایط خاص می‌توانند به بازتاب و تشدید اختلافهای سیاسی و هویتی کمک کنند. البته فروپاشی یک کشور را تنها به ورزشگاه‌ها و شعارهای هواداران فروکاسته نمی‌شود؛ اما این تجربه یادآور می‌شود که هیجان‌های ورزشی، اگر در مسیر تشدید شکاف‌های اجتماعی قرار گیرند، ممکن است پیامدهایی فراتر از میدان ورزش داشته باشند. از همین رو، در نام‌گذاری‌ها باید به پیامدهای فرهنگی و اجتماعی نیز توجه کرد.خیبر می‌تواند مایه افتخار خرم‌آباد و سراسر لرستان باشد و در همان حال، تیمی محبوب برای ایرانیان در هر گوشه کشور بماند.

ادامه در صفحه‌ی آخر